

خلاصه بحث

در مورد نماز وتیره دو طایفه روایت داریم که یک طایفه نماز وتیره را جزو نوافل شمرده اند، و یک طایفه نفی کرده اند.

به نظر ما وجه جمع بین این روایات این است که وتیره بالذات از نوافل نیست ولی به خاطر دو غرض که در روایات ذکر شده است بالعرض از روایات به شمار آمده است.

نماز وتیره

نصوصی که در مورد نماز وتیره وارد شده است را می توان به دو طایفه اصلی تقسیم کرد.

طایفه اول

طایفه اول، نصوصی هستند که وتیره را جزو نافله های یومیه به حساب آورده اند.

روایاتی را قبلاً خواندیم که مجموع نوافل را سی و چهار رکعت ذکر کرده بودند، و مجموع فرائض و نوافل را پنجاه و یک رکعت ذکر کرده بودند، این روایات دلالت دارند که وتیره نیز جزو نوافل است.

علاوه بر این، برخی روایات را هم داریم که نوافل را به ترتیب ذکر کرده و تعداد رکعات هر کدام را گفته اند که مثلاً ظهر هشت رکعت است، و عصر هشت رکعت است و ... و بعد از عشاء نیز دو رکعت نافله نشسته خوانده می شود، که ظاهر این روایات نیز این است که وتیره جزو نوافل است.

مثلاً در صحیحہ فضیل بن یسار چنین آمده است:

«ثُمَّ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النَّوَافِلَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ رَكْعَةً مِثْلِي الْفَرِيضَةِ فَأَجَارَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ وَ الْفَرِيضَةُ وَ النَّافِلَةُ إِحْدَى وَ خَمْسُونَ رَكْعَةً مِنْهَا رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْعَتَمَةِ جَالِسًا تُعَدُّ بِرَكْعَةِ مَكَانِ الْوُثْرِ»^۱

۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۱، أبواب اعداد الفرائض و النوافل، باب ۱۳، ح ۲، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۲۸

این روایت دلالت دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله نوافل را سی و چهار رکعت سنت گذاری کرده است، و مجموع نوافل، دو برابر فرائض هستند. و تیره نیز دو رکعت نشسته است که بعد از نماز عشاء خوانده می شود.

در صحیح دیگر فضیل نیز چنین آمده است:

«الْفَرِيضَةُ وَالنَّافِلَةُ إِحْدَى وَخَمْسُونَ رَكْعَةً مِنْهَا رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْعَتَمَةِ جَالِسًا تُعَذَّانِ بِرَكْعَةٍ وَهُوَ قَائِمٌ الْفَرِيضَةُ مِنْهَا سَبْعَ عَشْرَةَ وَالنَّافِلَةُ أَرْبَعٌ وَثَلَاثُونَ رَكْعَةً».^۲

در صحیح دیگر نیز چنین ذکر شده است:

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ وَ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَ بُكَيْرٍ قَالُوا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يُصَلِّي مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ».^۳

از مجموع این طایفه از روایات چنین استفاده می شود که تیره نیز جزو نمازهای نافله است. و این مطلب با دو بیان در این روایات آمده است، برخی از روایات، تعداد نوافل را سی و چهار رکعت شمرده اند، یا تعداد نوافل و فرائض را پنجاه و یک رکعت شمرده اند که معنایش این است که تیره نیز دخیل در این عدد است و جزو نوافل است. بیان دیگر نیز این است که یکی یکی نوافل را شمرده اند و تعداد رکعت هر کدام را گفته اند و نافله عشاء را دو رکعت نشسته بیان کرده اند.

بنابراین این روایات ظهور دارند و بلکه کالصریح هستند که تیره جزو نوافل است.

طایفه دوم

این طایفه از روایات که دو روایت معتبر و چند روایت ضعیف در آنها وجود دارد دلالت دارند که تیره جزو نوافل نیست و غرض از تشریح این دو رکعت، چیز دیگری است که در این روایات آمده است.

مثلا در صحیح سلیمان بن خالد چنین آمده است:

^۲ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۲، أبواب اعداد الفرائض و النوافل، باب ۱۳، ح ۳، ط الإسلامية.

^۳ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۲، أبواب اعداد الفرائض و النوافل، باب ۱۳، ح ۴، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۲۸

«وَرَكْعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ يُقْرَأُ فِيهِمَا مِائَةٌ آيَةٍ قَائِمًا أَوْ قَاعِدًا وَالْقِيَامُ أَفْضَلُ وَلَا تُعَدُّهُمَا مِنَ الْخَمْسِينَ»^۴

البته با توجه به اینکه عثمان بن عیسی در سند این روایت آمده است، به همین جهت روایت موثق می شود. مگر آنکه سند دیگری داشته باشیم که این شخص در آن نباشد. ولی به هر حال چه صحیحه و چه موثق باشد، در هر صورت معتبر است.

در این روایت تصریح شده که وتیره را نباید جزو پنجاه رکعت دانست، یعنی مجموع نوافل و فرائض پنجاه رکعت هستند، و این دو رکعت نشسته جزو آنها نیست.

به نظر ما می توان این روایات را توجیه و حمل کرد، به این صورت که حضرت، نوافل را به دو نوع تقسیم فرموده اند، که برخی از آنها نوافل یومیه بالذات هستند که سی و سه رکعت می باشند، و نوع دیگر هم همین وتیره است که نافله بالذات نیست ولی به خاطر غرضی تشریع شده است.

آنگونه که از روایات استفاده می شود، غرض از تشریع نماز وتیره دو چیز است، یکی این است که تعداد نوافل، دو برابر فرائض بشود، و غرض بعدی هم این است که وتیره جایگزین نماز وتر که بعد از نماز شب خوانده می شود باشد.

بنابراین با اینکه وتیره، بالذات از نوافل نیست، ولی به خاطر این دو غرض تشریع شده و بالعرض از نوافل محسوب می شود. با این بیان بین دو طایفه از روایات جمع می شود و هیچکدام طرد نمی شوند.

اما اگر کسی اصرار داشته باشد که این دو طایفه با هم تعارض دارند، به این نحو که یک طایفه، وتیره را از نوافل دانسته، و طایفه دیگر آنها را از نوافل نمی دانند، در این صورت باید طایفه اول را ترجیح داد، چون طایفه اول مشهوره هستند و چندین روایت صحیحه داشتیم که وتیره را از نوافل شمرده بودند، بنابراین باید مقدم بشوند.

پس نظر ما این شد که با بیانی که گفتیم بین این دو طایفه جمع می کنیم، ولی اگر کسی اصرار به این داشته باشد که تعارض مستقر است، در این صورت باید طایفه اول را مقدم کنیم.

در صحیح زراره از امام باقر علیه السلام چنین آمده است:

^۴ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۶، أبواب اعداد الفرائض و النوافل، باب ۱۳، ح ۱۶، ط الإسلامیة.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۲۸

«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبِيسَنَّ إِلَّا يَوْثِرٌ»^۵

در این روایت تعبیر «وتر» بکار رفته که به معنای همان «وتیره» است.

البته در این روایت فقط سفارش به خواندن نماز شده، و حرفی از اینکه جزو نوافل است یا نیست نیامده است.

در معتبره فضل نیز چنین آمده است:

«وَإِنَّمَا صَارَتِ الْعَمَّةُ مَقْصُورَةً وَ لَيْسَ تَتْرُكُ رَكَعَتَيْهَا لِأَنَّ الرُّكَعَتَيْنِ لَيْسَتَا مِنَ الْحَمْسِينَ وَ إِنَّمَا هِيَ زِيَادَةٌ فِي الْحَمْسِينَ تَطَوُّعًا لِيَتِمَّ بِهِمَا بَدَلُ كُلِّ رَكَعَةٍ مِنَ الْفَرِيضَةِ رَكَعَتَيْنِ مِنَ التَّطَوُّعِ»^۶

این روایت، وتیره را جزو پنجاه رکعت نمی داند و حکمت جعل و تشریع آنرا این می داند که تعداد نوافل دو برابر فرائض بشود.

همان حرفی که در صحیحہ سلیمان گفتیم در اینجا هم می آید که وتیره جزو نوافل بالذات نیست، ولی بالعرض از نوافل است.

در روایت قزوینی چنین آمده است که می گوید:

«قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَيِّ عِلَّةٍ تُصَلِّي الرُّكَعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ مِنْ قُعُودٍ؟ فَقَالَ لِأَنَّ اللَّهَ فَرَضَ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكَعَةً فَأَضَافَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِثْلَيْهَا فَصَارَتْ إِحْدَى وَ خَمْسِينَ رَكَعَةً فَتُعَدَّانِ هَاتَانِ الرُّكَعَتَانِ مِنَ الْجُلُوسِ بِرَكَعَةٍ»^۷

این روایت هم موید همان مطلبی می شود که عرض کردیم، یعنی وتیره به این غرض تشریع شده است که تعداد نمازهای نافله دو برابر فرائض باشد.

در اینجا روایت ابی بصیر را هم داریم که صحیحہ زرارہ که قبلاً ذکر کردیم را تفسیر می کند.

^۵ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۷۰، أبواب اعداد الفرائض و النوافل، باب ۲۹، ح ۱، ط الإسلامية.

^۶ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۷۰، أبواب اعداد الفرائض و النوافل، باب ۲۹، ح ۳، ط الإسلامية.

^۷ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۷۰، أبواب اعداد الفرائض و النوافل، باب ۲۹، ح ۶، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۲۸

تعبیر روایت ابی بصیر این است:

«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبْتَغِي إِلَّا بِوَثْرٍ قَالَ قُلْتُ: تَعْنِي الرِّكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ قَالَ نَعَمْ إِنَّهُمَا بِرِكَعَةٍ فَمَنْ صَلَّاهُمَا ثُمَّ حَدَّثَ بِهِ حَدَّثَ مَاتَ عَلَى وَثْرٍ فَإِنْ لَمْ يَحْدَثْ بِهِ حَدَّثَ الْمَوْتُ يُصَلِّي الْوُتْرَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَقُلْتُ هَلْ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَاتَيْنِ الرِّكَعَتَيْنِ قَالَ لَا قُلْتُ وَلِمَ قَالَ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَأْتِيهِ الْوُحْيُ وَكَانَ يَعْلَمُ أَنَّهُ هَلْ يَمُوتُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ أَمْ لَا وَغَيْرُهُ لَا يَعْلَمُ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ لَمْ يُصَلِّهِمَا وَ أَمَرَ بِهِمَا»^۸.

از این روایت فهمیده می شود که حکمت تشریع وتیره این است که جایگزین نماز وترى بشود که بعد از نماز شفع خوانده می شود، تا اگر کسی عمرش کفاف نداد که نماز وتر را بخواند با همین وتیره ای که خوانده است به فضل آن برسد.

البته این روایت ضعیف است و اگر تنها این روایت بود که این مطلب را آورده بود برای ما قابل اخذ نبود، ولی همانطور که گفتیم چندین روایت داریم که غرض از تشریع نماز وتیره را بیان کرده اند، و مبنای ما این است که در جایی که چند روایت ضعیف، مطلبی را بیان کرده باشند و قدر مشترکی بین آنها باشد، آن قدر مشترک را اخذ می کنیم.

در اینجا هم قدر مشترک بین این روایات ضعیف این است که حکمت جعل نماز وتیره را بیان کرده اند، و این برای ما قابل اخذ است.

و همچنین اگر روایت ضعیفی، ثوابی را افاده کند در این صورت نیز از باب تسامح در ادله سنن به آن روایت ضعیف اخذ می کنیم و ثواب را ثابت می دانیم.

۸ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۷۱، أبواب اعداد الفرائض و التوافل، باب ۲۹، ح ۸، ط الإسلامية.